

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

صورتپرست

ای عمر رفته! باز نیائی به دست من
زین پس هر آنچه هست سر و برگ نیستیست
تصویر محو گشته در آئینه خودم
شصت و شکست آمد و تار نفس گسست
گردون به مدعای دل من، به من نساخت
با همت بلند به او پنجه میدهم
آن دوره یاد باد که بی چشم مست او
داد ای سپهر دون که در آئینه پروری
یک بوسه از لب تو کند دفع صد خمار
چون مرغ دامدیده پریدی ز شست من
ای دل مخور فریب ازین خیز و جست من
این است مزد دیوده صورتپرست من
جز رشته ضعیف، نماده به شست من
کاری به من نکرد به غیر از شکست من
بود این چنین نصیب ز روز الست من
صدها خم شراب، نمیکرد مست من
آئینه شکسته سپردی به دست من
این است آرزوی لب میپرست من

از هستیم «اسیر» چه میخواست روزگار

صد بار بهتر آنکه، نمیکرد هست من

(فرانکفورت، فیروزی ۲۰۰۴م)